**باسمه تعالی خارج فقه ج 75 - وضوهای مستحبی - 1400.11.09**

**( فصل : وضوهای مستحبی - وضوی بعد از غسل جنابت آیا تجدیدی حساب می شود ؟ - اقوال - ایا تجدید در غسل هم هست ؟ - قسم سوم : وضو در زمان حدث اکبر - موارد آن )**

**در ابتدای بحث وضوی مستحبی گفته شد که‌ وضوی مستحبی سه قسم است ، قسم اول در حال حدث اصغر مستحب است بعد از آن وضو بگیرد .**

**قسم دوم : وضوی تجدیدی است یعنی حدثی اتفاق نیفتاده است در روایت آمده: وعن محمد بن موسى بن المتوكل، عن علي بن الحسين السعد آبادي، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من جدد وضوؤه لغير حدث جدد الله توبته من غير استغفار . وسائل ج ۱ ص ۲۶۴ باب ۸ ح ۷**

**مقتضای اطلاق حدیث این است که وضوی تجدیدی در تمام مراتب مستحب است چه بار اول و ... و سوم و چهارم**

**اشکال بر دلالت حدیث : قول امام ، لغیر حدث است از این عبارت می فهمیم که وضوی تجدیدی غایت می خواهد و علت غایت استحباب ، خود تجدید وضو است در حالی که قبلا در باب بحث غایات گفتیم تجدید یکی از غایات نیست لذا اگر بخواهیم به اطلاق حدیث عمل کنیم باید وضوی تجدیدی را جزء غایات حساب کنیم و لام در لغیر غایت است**

**ممکن است اشکال را این طوری حل کرد که این لغیر حدث اشاره به طهر علی الطهر دارد نه اشاره به غایت چنانچه امام علی علیه السلام فرمودند الطهر علی الطهر بعد الطهور عشر حسنات ، وسائل ص۲۶۴ و ۲۶۵ ، که دیگر اشکال رفع می شود.**

**سوال : آیا تجدید در اغسال هم هست یا نه ؟ خیر در غسل فقها فتوا به تجدید نمی دهند ، جواهر ج ۱ ص ۱۸۰**

**اشکال : اطلاق بیان امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام شامل اغسال هم می شود ، و آن کلمه الطهر علی الطهر است که مطلق است و شاهد بر غسل تجدیدی می شود**

**جواب : اطلاق دو قسم است ، افرادی است یا احوالی و اطلاق احوالی در اینجا ثابت نشده و اطلاق افرادی در اینجا جاری نمی شود چون قدر متیقن دارد و آن فرد وضواست نه جنس طهارت**

**سوال : از کجا فهمیدید اطلاق احوالی ندارد ؟ چون درباره غسل جنابت کاملا غسل مقید است به کلمه جنابت و حیض ، و همچنین تیمم هم مقید به عدم وجدان ماء است لذا نتیجه می گیریم که هیچ اطلاقی نیست و مقید است**

**سوال : آیا وضو بعد از غسل جنابت به عنوان وضوی تجدیدی محسوب می شود یا نه ؟ دو قول است :**

**قول اول از سید در عروه که فتوای داد که وضوی بعد از غسل جنابت مستحب نیست اگر چه بین غسل و وضو فاصله زیادی بشود.**

**قول دوم : از سید حکیم قائل است به استحباب وضو است فقط ایشان قائل است و دلیل آن مرسله سعدان و محمد بن مسلم که فرمودند الطهر علی الطهر عشر حسنات است که قدر متیقن طهر ، وضو است بنابراین وضوی بعد از غسل مستحب است و آن دسته از روایاتی که بعد از غسل جنابت اجازه وضو نمی دهند توجیه می شود به نفی وجوب وضو نه نفی مشروعیت وضو که فقط وضو واجب نیست ، مستمک ج ۲ ص ۲۹۵**

**اشکال استاد : ظاهر آن دو روایت وضوی بعد از وضو است نه غسل بعد از غسل یا وضوی بعد از غسل چون وضو و غسل قسیم یکدیگرند و قسیم شیء غیر شیء است و عین شیء نیست و اما روایاتی که دلالت دارد بر نفی وجوب وضو بعد از غسل جنابت ، کلام ایشان درست است که اصل مشروعیت وضو نفی نشده است لکن لازمه نفی وجوب این است که نیازی به این وضو نیست چون دلیل و روایتی نداریم و چه بسا سالبه به انتفاء موضوع است چون وضوی بعد از غسل وضوی تجدیدی نیست و خالص وضو است و موضوعی ندارد و حق با مرحوم سید است**

**قسم سوم : در زمان حدث اکبر وضو مستحب است ، برای این هم چند تا مورد نقل کرده اند :**

**مورد اول : زن حائض در اوقات نماز که می خواهد بر مصلی بنشیند و ذکر بگوید مستحب است با وضو باشد صحیحه زراره ، متن روایت :. علي بن إبراهيم، عن أبيه، ومحمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان جميعا، عن حماد بن عيسى، عن حريز، عن زرارة، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إذا كانت المرأة طامثا فلا تحل لها الصلاة وعليها أن تتوضأ وضوء الصلاة عند وقت كل صلاة ثم تقعد في موضع طاهر وتذكر الله عز وجل وتسبحه وتحمده وتهلله كمقدار صلاتها ثم تفرغ لحاجتها . کافی ج ۳ ص ۱۰۱ ح ۴**

**مرحوم مجلسی در مرأة العقول شرح بر کافی می نویسد جناب کلینی قائل به وجوب وضو است و مرحوم صاحب جواهر و دیگران از ابن بابویه نقل کردند که ایشان به همین روایت فوق فتوای به وجوب داده است اما مرحوم مجلسی می گوید از جمع بین ادله استحباب بدست می آید و بعد می گوید اگر زن حائض متمکن از وضو نبود بر او مستحب است تیمم کند یا نه ؟ ایشان می گوید اظهر از دو قول عدم مستحب بودن تیمم است**

**سوال : مرحوم صدوق یا ابن بابویه از کجای روایت فهمیده اند که وضوی زن حائض واجب است ؟ از کلمه علیها**

**اشکال بر مرحوم صدوق و ابن بابویه : اما از سه جهت این نظریه رد می شود**

**اولاً : شک در اصل تکلیف است که زن حائض شک دارد که وضو بر او واجب است یا نه ؟ اصل برائت است**

**ثانیاً : یکی از احکامی که برای همه آشکار و عام البلوی است همین مسئله است که هرگز وضو بر حائض واجب نیست و مؤید آن شهرت اکثر فقهاست ضمن اینکه در برخی از روایات کلمه ینبغی دارد که دال بر مستحب است**

**ثالثاً : عمده کلماتی که در خلاف شیخ طوسی یا صدوق از کلمه وجب ، وجوب می آید به معنای ثبوت است در جواهر ج ۱ ص ۱۷ هست ، لذا ممکن است منظور ایشان از وجوب، ثبوت باشد نه واجب شرعی یعنی همان اهمیت است که زنها وضو بگیرند و بخشی از وقت نماز را با خدا حرف بزنند.**